



# عملکرد سازمان ملل در قبال جنگ تحمیلی، قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و تحریم تسلیحاتی ایران

مواضع خودمان در ارتباط با جنگ و یاد دیگر جهانی از جمله حقوق مردم فلسطین و همه معرفی ارزشهای انقلاب اسلامی به جهان استفاده کنیم. و نیز با حضور در آنجا از آنچه این باشگاه می گذرد، مطلع باشیم.

بطور کلی حضور در سازمان ملل می تواند جنبه های بسیار متعددی داشته باشد. بطور کلی بحثهای بسیاری در کمیته های مختلف این سازمان عنوان می شود که بسیاری از آنها ارتباطی مشکلات اساسی دنیا و مسائل ما ندارد. برخی نمایندگان و سفرا در سازمان ملل مطالبی را می کنند که تنها در مسائل داخلی خودشان است و بعضی از مصوبات سازمان تنها به عنوان سندی برای قطعنامه های بعدی، مهم تلقی می شود. گرچه بعضی از مصوبات حتی این اثر را هم ندارند. بنابراین باید زمینه های فعالیت ما در سازمان ملل و اهدافی که از حضور در آنجا دنبال می کنیم مشخص باشد.

ما باید بدانیم که چه میزان از مشارکت سازمان ملل تنها برای شنیدن صدایمان در سازمان ملل و چه میزان از آن برای تعقیب دقیق و منتهی اهداف خاص سیاسی و بین المللی می باشد.

بسیاری از اعضای سازمان ملل حتی کشورها بزرگ در همه مصوبات و قطعنامه های آن شرکت نمی کنند و غالب این است میزان مشارکت ما در جلسات و بحثهای سازمان ملل حدود ۲۰ درصد بیشتر از مشارکت آمریکا بوده است. دلیل آن مشخص است. آنها اولویتهایشان را می شناسند می دانند چرا و در کجا شرکت می کنند. شناسایی مستلزم این است که سیاست خارجی هر ریزی شده، منسجم و دراز مدت داشته و به جز این **آن دقیقاً واقف باشیم در غیر این صورت، ما نمیتوانیم بر ضرورت خواهیم کرد. و سعی می کنیم**

می گیرد که در همه جا حضور داشته باشیم. سخنرانی هم بکنیم. البته از نظر کلی چیز خاصی نیست که در همه جا حضور داشته باشیم ولی این حضور همه جانبه بدون داشتن اولویتهای دقیق، نظر من همواره فعالیت مثبتی به حساب نمی آید.

**\* سوال - تا چه حد می توان به تلاشهای ما در سازمان ملل انجام می شود امینوار بود؟**

جواب - باید امینوار بود اما نباید به تلاشهای آن چشم دوخت.

سازمان ملل همانطور که در پیش گفته باشگاهی است که مابه اندازه ای که در آن فعالیت

فعالتهای دیپلماتیک ایران در صحنه کارزار سیاسی جهان، در چند سال اخیر به اتکای توانمندی رزمندگان اسلام موفقیتهای ارزنده ای را برای جمهوری اسلامی به ارمغان آورده است. بازتاب این دستاوردها که تبلور سیاسی پیروزی در نبرد علیه استکبار جهانی و نتیجه هوشیاری و آگاهی نمایندگان ایران در مجامع بین المللی می باشد، بیش از هر جا در سازمان ملل متحد قابل رؤیت است.

دکتر «رجائی خراسانی» یکی از موفقترین چهره های سیاست خارجی ایران که به مدت ۶ سال ریاست هیات نمایندگی جمهوری اسلامی را در سازمان ملل عهده دار بودند، هفته گذشته پس از پایان مأموریتشان در نیویورک به تهران بازگشتند و فرصتی فراهم آمد تا در نشست صمیمانه، با گوشه هایی از تجربیات موفق و پر بار ایشان در سالها خدمت صادقانه و فعال به جمهوری اسلامی آشنا شده و نظراتشان را درباره عملکرد سازمان ملل جویا شویم. متن زیر حاصل این گفتگوست.

می دانستند، امروزه وجود کانونهای بحران در جهان، عدم حل مسائلی مانند تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی، کشتار فلسطینیان در سرزمینهای اشغالی...، به دلیل عدم همکاری این قدرتها و حمایت آنها از رژیم های تحت سلطه و دست نشانده خود است.

همچنین حل شدن مشکلات اقتصادی میان کشورهای فقیر و غنی و بی نتیجه بودن مذاکرات شمال - جنوب، در نتیجه مخالفت ها سیاستهای اتخاذ شده از سوی همین ابرقدرتهاست.

به اعتقاد من سازمان ملل امروز تنها یک باشگاه بین المللی است که همه کشورهای جهان در آن عضویت دارند و نه مکانی برای حل و فصل معضلات بین المللی. این سازمان قادر به تصمیم گیری در مورد مسائل مهم و اساسی نیست زیرا که حل مسائل جهانی نیاز به توافق عمومی اعضا دارد و کمترین مسئله را می توان یافت که منافع هیچ کشوری را به خطر نیاندازد و همگی با آن موافق باشند.

با این وجود، این باشگاه به لحاظ اینکه همه کشورهای دنیا در آن حضور دارند، مجمعی بسیار با اهمیت و یک سکوی تبلیغاتی مهم برای رساندن پیام به جهانیان است. البته به دلیل توسعه ارتباطات در دنیای امروز، این تریبون منحصر به فرد نیست و نباید روی آن بیش از آنچه که هست حساب کرد. به عنوان مثال من اطمینان دارم که اهمیت نماز جمعه تهران به هیچ عنوان کمتر از سازمان ملل نیست، زیرا جمهوری اسلامی ایران نقش بسیار تعیین کننده ای در مسائل جهانی دارد و نظرات رهبران ایران، بخصوص آنچه که در نمازهای جمعه مطرح می شود، از اغلب رسانه های همگانی جهان پخش و منتشر می شود.

بنابراین نباید چنین تصور شود که سازمان ملل تنها سکوی مهم برای بیان نظرات ما می باشد. اما در حال ما می توانیم از این سکوی برای دفاع از

**\* سوال - با توجه به حضور طولانی شما در سازمان ملل، عملکرد این ارگان را چگونه می بینید؟**

جواب - بسم الله الرحمن الرحیم - سازمان ملل مؤسسه ای است که پس از پایان جنگ جهانی دوم توسط کشورهای بزرگی که خود آتش افروز جنگ بودند به وجود آمد و از همین رو در ساخت تشکیلاتی آن پیش بینی هایی شده است که حتی المقدور منافع قدرتهای بزرگ را در آن زمان حفظ کند. از جمله حفظ صلح و امنیت بین المللی که به عنوان هدف اصلی این سازمان اعلام شده، به عهده ارگانی به نام شورای امنیت گذارده شده است که در آن ۵ عضو دائمی (آمریکا، شوروی، فرانسه، انگلیس و چین) با حق وتو و ۱۰ عضو غیر دائمی حضور دارند این خود بیانگر آن است که مسائل اساسی دنیا، یعنی مسائلی که از نظر منشور ملل اساسی شناخته شده اند، باید با موافقت و تصمیم ۵ عضو دائمی شورا حل و فصل شوند.

اما اوضاع امروز جهان با زمانی که سازمان ملل تشکیل شد تفاوت های زیادی دارد. گرچه به دلیل توسعه ارتباطات و پیشرفت علوم و صنایع، جهان امروز به صورت مجموعه ای درآمده که در آن هرگونه تماس و تبادل نظر به سهولت و به آسانی میسر است و به این اعتبار جهان کوچکتری داریم.

اما با توجه به افزایش شمار کشورهای عضو سازمان ملل که اکنون حدود سه برابر تعداد کشورهای مؤسس آن می باشد در جهان بزرگتری به سر می بریم.

از این رو جغرافیای سیاسی ای که کشورهای بزرگ در آن زمان برای جهان ترسیم کردند، امروزه بسیار غیر واقعی است. در حال حاضر اکثریت کشورهای عضو سازمان ملل را جهان سومی ها تشکیل می دهند و مسائل جاری بین المللی باید با کمک این کشورها حل و فصل شود. کشورهای نظیر آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه که زمانی خود را پیشتاز و گره گشای مسائل جهان

● حضور فعال و مؤثر در سازمان ملل مستلزم سیاستی طرح ریزی شده و منسجم است و باید زمینه‌های فعالیت ما در سازمان ملل و اهدافی که از حضور در آنجا دنبال می‌کنیم، مشخص باشد.

● جنگ هیچ راهی جز بروزی ما ندارد، اما راه حل‌های سیاسی را هم نباید نادیده گرفت.

ریز توسعه به کشورهای جهان سوم و بطور کلی اجرای برنامه‌های همکاری خوبی با آنها داشته باشیم.

سئوال - نحوه برخورد سازمان ملل با جنگ تحمیلی از آغاز چگونه بود، چه نوع نگرشی به این مسئله داشتند و چه اقداماتی در این مورد انجام داده‌اند؟  
 جواب - جنگ تحمیلی برای آن آغاز شد که ضربه‌ای کاری بر بیکر انقلاب اسلامی وارد سازد و رژیم جمهوری اسلامی را ساقط کند. این امر مسلمی است که دیپلمات‌های بی طرف از سازمان ملل و آگاهان سیاسی دنیا به آن اعتراف دارند. قدرت‌هایی که انتظار سقوط جمهوری اسلامی را داشتند نیز در صحنه‌ها و به عنایت مختلف کوشیدند با حرکت‌های سیاسی حساب شده خود این جنگ را تایید و سقوط جمهوری را تسهیل کنند و اگر عکس العمل غرب در قبال جمهوری اسلامی را در آن روزها به خاطر بیاورید، کاملاً می‌پذیرید که غربی‌ها و تا حدی شرقی‌ها هم آهنگ بودند و سعی داشتند با انجام اقداماتی، فشار سیاسی، اقتصادی و نظامی به ایران وارد شود و سقوط جمهوری اسلامی را تسهیل کنند.

محاصره‌های اقتصادی اعلام نشده و تلاش برای انزوای ایران در صحنه‌های بین‌المللی، حرکات هماهنگی بود که این منظور را دنبال می‌کرد.

زمانی که برای نخستین بار مسأله جنگ به شورای امنیت رفت، اعضای آن شورا می‌پنداشتند جمهوری اسلامی به زودی سقوط می‌کند، و بهترین انتخابی که داشتند این بود که ضمن تظاهر به بی طرفی، شرایط سیاسی را به گونه‌ای هدایت کنند که سقوط جمهوری اسلامی و در نهایت شکست انقلاب اسلامی را تایید و تسهیل کنند.

به همین منظور نخستین قطعنامه از ما می‌خواست در حالی که خاک ایران در اشغال نیروهای صدام است، مذاکره کنیم و آتش بس را بپذیریم.

ظاهر قطعنامه این بود که آنها برای استقرار صلح و برقراری آتش بس کار می‌کنند، ولی آنان خود می‌دانند که هدف چه بود اما دستورات خاص رهبری و حرکت مردم و مقاومت غیر منتظره آنها از دیدگاه مجامع و تحلیلگران سیاسی باعث شد که این پیش بینی شکست بخورد و ما نه تنها در برابر جنگ خرد نشدیم، بلکه به تدریج دشمن را از خاک‌مان بیرون راندیم.

از آن پس حرکات سیاسی تغییر جهت یافت و پیشنهادهای طمع انگیزی به ما می‌دادند. مثلاً گفتند

● اهرم واقعی و اصلی ما همیشه نظامی است ولی پیروزیمان همواره نظامی نیست و ممکن است اقتصادی یا سیاسی هم باشد.

● اطمینان داریم که با مقاومت بی نظیر رزمندگان در جبهه و مردم در پشت جبهه، سازمان ملل قدم به قدم مجبور به عقب‌نشینی در مقابل خواسته‌های ما می‌شود.

● سازمان ملل امروز تنها يك باشگاه بین‌المللی است که همه کشورهای جهان در آن عضویت دارند و نه مکانی برای حل و فصل معضلات بین‌المللی.

● امتیاز ندادن با مذاکره نکردن تفاوت دارد. ما سیاست بازی نمی‌کنیم ولی اجازه نمی‌دهیم که با سیاست بازی علیه ما جو سازی شود

حاضریم با پایگاه آبادان را ترمیم کنیم و شما آتش بس را بپذیرید. و ... هدف این حرکات برای نجات صدام بود، چون دریافتند که هدف جنگ تامین نشده، انقلاب اسلامی محکم‌تر شده، مردم ایران متشکل شده‌اند و از خود دفاع می‌کنند و صدام به عوض اینکه در خدمت استعمار و علیه جمهوری باشد، خود در دام افتاده است. و تا آزادی، خرمشهر سازمان ملل کار مهمی انجام نداد، و بیشتر حرکات خارج از این سازمان بود. سعی می‌کردند از طریق آقای «پالمه» دبیرکل سازمان ملل، کنفرانس آسلا می و جنبش عدم تعهد اقدام کنند. و پایان جنگ هدف سیاسی اقدامات بین‌المللی بود.

وقتی خرمشهر آزاد شد، سازمان ملل احساس کرد اگر حرکت نکند شیرازه سیاسی امر از هم می‌گسند، برای جلوگیری از این گسستگی لازم بود مانورهای انجام دهند و در چهار چوب یک سلسله گفتگوهای سیاسی، مجدداً بحث از آتش بس، پایان جنگ و صلح را مطرح کنند.

بعد از نخستین قطعنامه تا آزادی خرمشهر، سازمان ملل هیچ حرکتی نداشت و در این دوره دژخیمانه ترین اعمال از سوی صدام علیه ما انجام شد. شهرهای ما زیر بمباران هوایی و موشک‌های صدام قرار گرفت تا با ایجاد فشار داخلی و تضعیف بنیه مردم، ما راه به سازش بکشاند و به پای میز مذاکره بنشاند. اما حرکات حساب شده ما و عملیات تاریخ ساز سپاه اسلام که منجر به آزادی خرمشهر شد، فصل تازه ای را گشود.

پس از فتح خرمشهر قطعنامه جدیدی مبنی بر عقب نشینی نیروها و پذیرفتن آتش بس و مذاکره صادر شد. این حرکت نخستین اقدام عمده سیاسی سازمان ملل در جهت حفظ صدام بود و از آن زمان تاکنون هدف همه کوشش‌های انجام شده، حفظ وضع جغرافیای سیاسی منطقه بوده و اینکه مجازات صدام به نحو شایسته انجام نشود و مسئله جنگ در چهار چوب مذاکره سیاسی به پایان برسد.

هدف این بوده و هست که به هر وسیله ممکن جمهوری اسلامی سرزمینی باشد که انقلاب اسلامی در آن متوقف شود و به ورای مرزهایش گسترش نیابد و رژیم صدام هم در چهار چوب دیگری تغییر کند. مثلاً براساس توافق سیاستمداران برای حفظ موقعیت‌ها و کنترل انقلاب اسلامی در داخل عراق، برنامه‌ای برای سقوط صدام طرح کنند، و حرکات اسلامی داخل عراق به حرکات ملی و یک کودتای داخلی تبدیل شود.

نمی‌توانیم از آن بهره بگیریم و این سازمان هیچ تضمین شده نیست. اگر روابط خود را با سازمان ملل درست نگه‌دارد و برای این روابط برنامه ریزی داشته باشد، می‌تواند سرمایه گذاری می‌کنیم، می‌تواند بگریزد. ولی ما نباید منتظر باشیم تا آنها ما را حل کنند. حضور همه کشورها در سازمان ملل برای رفع مسائل خودشان است و نه رفع مسائل دیگران و این ما هستیم که باید سعی کنیم در آنجا کاری کنیم که رقبای ما در صحنه سیاسی نگیرند و همچنین یک سلسله امتیازات را که در وجهه و عملکرد ما در داخل و خارج براند موثر باشد کسب کنیم.

یکی از مهمترین مسائل ماجنگ است که در دست‌های مختلف سعی کرده‌ایم آنرا مطرح کنیم. اما طرح این مباحث همواره بازده کافی نداشته است. مثلاً در گفتگوهای که طرح مسئله صلح تحمیلی واقعاً مناسبی ندارد برخورد شعاری بوده می‌تواند نتیجه معکوس هم داشته باشد. در این قبیل ظرافتها اهمیت زیادی دارد ولی در نظر از این ظرافتها، یکی از اساسی ترین اهداف سیاسی ما در تمام صحنه‌های بین‌المللی جنگ است. اما به غیر از مسئله جنگ، بهانه‌های که در ارگان‌های دیگر سازمان ملل انجام می‌دهند می‌تواند زمینه‌های مفیدی برای همکاری ما به طور مثال برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) در حال حاضر یکی از مهمترین و اساسی ترین فعالیت‌های سازمان ملل است.

بسیاری از کشورهای جهان تحت پوشش این سازمان به میادله اطلاعات و همکاری بایکدیگر به حل مسائل مربوط به رشد توسعه می‌پردازد و از کمک‌های این سازمان بهره‌مند می‌شوند. در حالی است که شعارهای سیاسی آن کمتر از بانه‌های دیگر وابسته به سازمان ملل است. لازم به توضیح است که در کل ما بیشترین وابستگی را به فعالیت‌های سازمان در زمینه عمران داشته‌ایم. فعالیت‌های سازمان در زمینه بانک‌ها و برامکانات داخلی بسیار چشمگیر می‌باشد. به موازات اقدامات جهاد ملی، در برنامه ریزی توسعه نیز فعالیت داشته‌ایم. در سال‌های اخیر بسیار خوبی در زمینه توسعه در اختیار ما قرار گرفته که از تجارب بسیار بالایی برخوردارند. در حال حاضر ما می‌توانیم در زمینه تربیت انسان جهان سوم و یا اعزام کارشناس و برنامه

منتهی خراسته مشروع ما که از آغاز مطرح کرده بودیم، این بود که نمی توانیم این رژیم متجاوز را با آنهمه قانون شکنی و تجاوزگری بدون مجازات، رها کنیم. برای حفظ امنیت درهه آینده تاریخ، مردم جهان باید بدانند که تجاوز تشبیه دارد و این اصل امنیت را در منطقه تثبیت می کند.

با مقاومت ما و اوجگیری حرکات نظامی در عملیات فاو و کربلا، کشورهای غربی از بابت خارج شدن اوضاع از کنترلشان نگران شدند و در اوج حملات نظامی ما بود که ناگهان سازمان ملل اعلام کرد شورای امنیت باید جلوی عملیات نظامی ایران را بگیرد. لذا پیشنهاد کرد که شورای امنیت در سطح وزرای خارجه کشورهای عضو تشکیل شود. این سخن دبیرکل، نه عملی بود، نه مفید به حال ما. بنابراین از سوی ایران و سایر اعضای سازمان ملل، عجولانه تلقی شد و نسبت به تشکیل آن جلسه اقدامی به عمل نیامد.

پس از آن، دبیرکل به فکر افتاد که اگر بنا باشد ایران به یک راه حل سیاسی راضی شود، باید خواسته های ما تضمین و تأمین گردد. لذا اعلام کرد که تا تکلیف مسئولیت جنگ روشن نشود، یافتن راه حل سیاسی برای پایان آن بعید است.

مقابلای عده ای همیشه پیشنهاد کرده بودند که کمیته بی طرفی تشکیل شود و مسئول آغاز جنگ را تعیین کند. عراق نیز بارها در کنفرانس عدم تعهد، با این طرح موافقت کرده بود. عراقی ها حساب می کردند که یک هیات بی طرف تشکیل می شود و بررسی را شروع می کند، اما نتیجه آن معلوم نیست؛ درحالیکه آتش بس هم برقرار خواهد شد. البته، این نظر عوام پسندانه ای بود.

اهمیت طرح دبیرکل از نظر دیپلماتیک این بود که هم مورد موافقت عراق بود و هم مجال می داد که ایرانیها مطالب خود را در چهارچوب حرف وی مطرح کنند.

اما پیشرفتهای نظامی بعدی ما، و نزدیک شدن به بصره، موقعیت داخلی عراق را بیشتر تضعیف کرد. از طرف دیگر، توطئه سقوط بهای نفت موجب اختلال در اقتصاد اعراب و حتی آمریکا شد. این مشکلات و یأس عراقیها در اثر شکست در عملیات کربلا و دیگر جبهه ها، وضع داخلی عراق را آشفته کرد و حامیان این رژیم احساس کردند که اگر هر چه زودتر حرکت سیاسی برای تقویت صدام انجام نگیرد، ممکن است سیر تحولات داخلی عراق، به سمت گسترش انقلاب اسلامی آن کشور پیش برود.

لذا بایک حرکت سیاسی کوشیدند آرامش بیشتری را برای منطقه فراهم کنند. این حرکت سیاسی چند جهت داشت: اول اینکه یکی از خواسته های ایران را به نحوی تأمین کنند تا ایران راضی شود؛ دوم اینکه از صدام و حامیان منطقه ای او، حمایت بیشتری بعمل بیآورند. یعنی حرکت نظامی چند جانبه ای تدارک ببینند تا هم از لحاظ اقتصادی و سیاسی او را تقویت کنند، و هم جغرافیای سیاسی منطقه تثبیت شود.

نکته مهم اینست که مانباید این حرکتها را به خاطر ایجاد نوعی آرامش و امید در منطقه، نادیده بگیریم؛ چون اگر آن را ترک کنیم، ضربه می خوریم.

حرکت سیاسی اینها، ۶-۷ ماه طول کشید. اعضای غیردائم شورای امنیت که بیش از همه نگران بودند، حرف مهمی نداشتند. ضمن اینکه جمهوری اسلامی، پیروز و موفق به دروازه های



بصره رسیده بود و بنابراین، همانگونه که رسم این شورا است که علیه طرف پیروزمند رأی ندهد، مجبور به در نظر گرفتن عقیده ما بود. پس طبیعی است که شورا نمی توانست حرفی بزند که ایران پیروزمند و محق را برنجانند.

لذا، برای جلب رضایت ایران، صدام را محکوم، و به یکی از خواسته های ما که تعیین مسئول آغاز جنگ است، اعتراف کردند. در نتیجه، قطعنامه ۵۹۸ بوجود آمد که حداقل نتیجه یک سال مطالعه اعضای شورای امنیت و حرکات حساب شده مطبوعات آمریکا و انگلیس بود.

یکی از حرکتی که برای زمینه سازی جلب رضایت جمهوری اسلامی انجام دادند، برگزاری کنفرانسی در «بنیادفورد» بود.

در این کنفرانس نمایندگان اعضای دائمی شورای امنیت (انگلیس، آمریکا، فرانسه، چین و شوروی) به اضافه دبیرکل و معاون او وعده زیادی از صاحب نظران و متخصصان مسایل خاورمیانه شرکت داشتند. این کنفرانس جنگ ایران و عراق را بررسی کرد و سخنرانیهای زیادی در آنجا شد که تعدادی از آنها انتشار نیافت، متن سخنرانی میزبان یعنی مدیرعامل بنیادفورد به عنوان سند منتشر گردید، ولی گفت و شنودها و مذاکراتی را که در داخل کنفرانس انجام شده بود، منتشر نکردند.

در این کنفرانس ماهیت جنگ ایران و عراق توسط صاحب نظران و اهل اطلاع، بررسی شد. موضوعی که کنفرانس انتخاب کرد، حساب شده بود یعنی این که «چرا جامعه بین الملل دریافتن راه حل جنگ ایران و عراق به شکست رسیده است؟»

دعوت شدگان از اوضاع جنگ و مسایل آن بسیار مطلع بودند و برخی از آنها آموشدهای زیادی بین دو کشور و مجامع بین المللی در رابطه با جنگ داشتند. سفرای برخی از کشورها که به عنوان واسطه از طرف کشورشان یا یکی از مجامع بین المللی به ایران و عراق مسافرت کرده بودند، افراد و روزنامه نگاران آشنا با جریان جنگ، همچنین خاورشناسان و اساتید دانشگاهها و متصدیان امور در وزارت امورخارجه آمریکا جزو دعوت شدگان بودند.

نکته بسیار مهمی که در این کنفرانس داشت، این بود که بسیاری از حقایق که تا آن در مورد مظلومیت ایران گفته نشده بود، گردید. در آنجا دقیقاً مطرح شد که چه مطالب مردم ایران، جمهوری اسلامی و انقلاب ما رفته است. خوشبختانه ما از ریز مطالب عنوان اطلاع داریم.

با وجود همه حق گوییهای این کنفرانس متجاوز شناختن صدام، نتیجه گیری این بود باید صدام را محکوم کرد و حق را به ایران داد. چنین استدلال کردند مادام که بخشی از حقایق نفع جمهوری اسلامی مطرح نکنیم و یک متن خواسته های مشروع این کشور را به رسم نشناسیم، نخواهیم توانست یک راه حل سیاسی صدام پیدا کنیم. هدف، پیدا کردن راه حل سیاسی، احیای وجهه سازمان ملل بود که بعد از سال در یک درگیری پیش آمده در جهان سوم بلا تکلیفی شده بود.

آنها به این نتیجه رسیدند که بازی بعدی شان باید روی تأمین نقطه نظرات ایران باشد. بعد از صحبت دبیرکل در کنفرانس اسلامی، فورد و بسیاری از سمنارهای دیگر که دانشگاهها و مؤسسات بی طرف برگزار قطعنامه (۵۹۸) بوجود آمد.

بنابراین، با در نظر گرفتن همه این شرایط صاحب نظران و طرفهای درگیر نشستند و تدارک دیدند که به کمک آن، امکان تأمین این از نظرات ایران فراهم آید و زمینه برای به دست «نقش سازنده شورای امنیت» آماده شود. تحت پوشش همین حفظ صلح و امنیت بین شرایط مورد پسند صدام را نیز پدید آورند.

پس، عقب نشینی، و مبادله اسرا. شرایط این قطعنامه، با مهارت و زیبایی شده و برخی از اعضای شورا مدعی بودند شورای امنیت، براساس این قطعنامه، مستقر ایران و عراق، برای حفظ ثبات بین المللی عمل و برای خود سخنی دارد.

انها فکر می کردند اگر حمایت سیاسی بیاید برای خود فراهم کنند، تضمین کافی برای قطعنامه هم بدست خواهد آمد.

تحریم اقتصادی و نظامی ما تلاش خواهند کرد و بهای نفت را حتی احتمالاً پایین خواهند آورد تا به ما ضرر بزنند.

ما هم در مقابل باید تولید داخلی و روابط بین‌المللی با کشورهای دوست را گسترش دهیم و هرچقدر در هماهنگی اقداماتمان موفقتر باشیم، در حرکات سیاسی نیز موفقتر خواهیم بود.

● **سئوال:** شما احتمال تصویب قطعنامه دیگری را می‌دهید؟

**جواب:** کم؛ خیلی زیاد نیست. ولی این احتمال را نباید از چشم دور داشت و باید فرض کنیم که دشمن در بهترین شرایط خود سعی می‌کند که حداکثر امکاناتش را علیه ما بسیج کند.

● **سئوال:** انگیزه حضور نیروهای ناتو در خلیج فارس چیست؟

**جواب:** حضور آمریکا و ناتو در خلیج فارس، منحصرأ به خاطر ایران نیست؛ ولی ایران نقش تعیین‌کننده‌ای در این زمینه دارد. آمریکائی‌ها فکر می‌کردند که در خلیج فارس، يك بازی چند جانبه را شروع کرده‌اند و بموقع از هر يك، امتیازات خاص خود را کسب خواهند کرد.

یکی اینکه با تشدید تشنج در خلیج فارس، ایرانیها روحیه خود را باخته و با آمریکا وارد مذاکره می‌شوند و در آن صورت آمریکا اهرم کافی بدست آورده و دریاب بقیه مسائل منطقه از جمله جنگ، جریان‌ات را بنفع خود می‌چرخاند.

دیگر اینکه به مرتجعین جنوب خلیج فارس اطمینان دهد که آمریکا در شرایط سخت، دوستان خود را تنها نخواهد گذارد.

● **سئوال:** با توجه به اینکه آغاز جنگ به نفع کشورهای بزرگ بود. اصرار کنونی آنها مبنی بر خاتمه آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

**جواب:** ادامه جنگ به نفع آنها نیست. خطری که آنها از آن بیم دارند، تحولات منطقه است که سعی کردند با تحمیل جنگ به ما، این تحولات را کنترل کنند. اگر جنگ سبب ادامه این تحولات شود، در آن صورت خود جنگ برایشان مضراست؛ یعنی اگر جنگ به سقوط صدام منتهی شود، باید آنرا متوقف کنند.

از طرفی شکست ایران امکانپذیر نیست و می‌توان گفت که در درازمدت، پیروزی با ما خواهد بود. ادامه جنگ، در صورت رسیدن ما به بن‌بست، برای آنان مفید است.

● **سئوال:** آینده را چگونه پیش بینی می‌کنید، نظر شما در رابطه با فشاری که کشورهای غربی برای پایان سیاسی جنگ، بدون داشتن يك طرف پیروز وارد می‌آورند چیست؟ همچنین نظراتان را راجع به نقش سازمان ملل در این میان بیان کنید.

**جواب:** سازمان ملل می‌تواند در پاره‌ای مسائل برای ما مفید واقع شود و تصمیماتی را به نفع ما اتخاذ کند. این سازمان می‌تواند با معرفی رسمی متجاوز در جنگ و پایان عادلانه آن موثر واقع شود.

اما اینکه توانایی سازمان ملل برای گام برداشتن در این جهت تا چه میزان است، به تعریفی که از سازمان ملل ارائه شد، مربوط می‌شود.

در این میان باید توجه داشته باشیم که به هر میزانی که ما در برخوردهایمان حساب شده‌تر برخورد کنیم قادر به کسب امتیازات بیشتری خواهیم بود. ولی اینکه آنها يك راه حل سیاسی

بقیه در صفحه ۵۶



اما ما تا بحال بلندگویی قوی برای خودمان ایجاد نکرده بودیم. اکنون، حتی درسای آمریکا هم مطرح شده که آغازگر جنگ عراق است. امتیاز ندانن با مذاکره فرق دارد. ما سیاسی کاری نمی‌کنیم، ولی اجازه نمی‌دهیم با سیاسی کاری علیه ما جو سازی شود.

قبلاً وضع به شکل دیگری بود؛ اما اکنون ما سعی می‌کنیم با زدن ضربه‌ای سیاسی به سقوط صدام سرعت بینشیم. دافن طرحی بیش از این مقدر نیست. الان صلاح صدام، پذیرفتن قطعنامه است، زیرا خواستهایش را در بردارد. صلاح ما هم رد نکردن آن بوده است ما نمی‌خواهیم با نپذیرفتن در بست قطعنامه، دنیا علیه ما تحریک شود. چرا که مسئول شکست دبیرکل ما نیستیم.

اهرم واقعی و اصلی ما همیشه نظامی است، ولی پیروزمان همیشه نظامی نیست و ممکن است اقتصادی یا سیاسی باشد.

● **سئوال:** به نظر شما جنگ در چه شرایطی خاتمه خواهد یافت؟

**جواب:** جنگ در شرایطی تمام می‌شود که بهترین منافع را برای جمهوری اسلامی تعیین کند و موضع ما الان همین است.

● **سئوال:** چشم‌انداز شما از سیاست ایران در قبال تلاشهای موجود برای خاتمه جنگ چیست؟

**جواب:** از نظر نظامی ما در مقطع بسیار حساسی هستیم و رسیده‌ایم به جایی که هر قدم پیش روی ما در خاک عراق، برای رژیم این کشور بسیار جانکاه است. ولی بهرحال هر حرکتی باید از داخل عراق شروع شود و خوشبختانه هر قدم پیشروی نظامی ما، حرکت داخلی عراق را تقویت می‌کند. بنابراین، ابتکار عمل سیاسی - نظامی در دست ماست.

ما معتقدیم که قطعنامه ۵۹۸ هنوز به بن‌بست نرسیده و دبیرکل اگر درست حرکت کند، پیشرفتهای نسبی خواهد داشت که برای ما بسیار مهم است. ما باید به همکاری نزدیک با دبیرکل ادامه دهیم.

اما اگر این قطعنامه به بن‌بست برسد، دوره فترتی در شورای امنیت بوجود خواهد آمد و آنها با استفاده از این سکوت، طی قطعنامه‌ای دیگر برای

حفاظت نظامی و حمایت علنی از عراق و حتی این کشورها را در منطقه تضعیف کرد مردم را علیه رژیمهایی تا این حد مزدور می‌شوراند. بنابراین، رسماً شورای امنیت در مخالفت نظامی نبود.

از طرفی، کمک‌های نظامی و اقتصادی به مردم حلال مشکلات نیست زیرا این رژیم، در شایع از این لحاظ تأمین شده و ظرفیت برای کارایی بیشتر تسلیحاتی ندارد. پس این حمایت از این کشور، باید بصورتی انجام یفت که باعث تضعیف او نشود. قطعنامه ۵۹۸ سالها را خرب تأمین می‌کند. اول اینکه صدام را زیرپوشش حفظ صلح و امنیت ملی به عنوان بزرگترین وظیفه سازمان ملل می‌کند و دوم آنکه خواستهای ایران را در ششم تأمین می‌کند که اگر ایران کوتاه نیاید آنها خواهند به ما فشار آورند، تحت پوشش قطعنامه امنیت بین‌المللی و نه حمایت از صدام. اگر لازم باشد، زیرنام اجرائی قطعنامه، شورای بین‌المللی قابل اجرا تشکیل دهند تا سازمان بتواند بصورت بی‌طرف از صدام دست‌کافی بعمل آورده و موازنه موجود را حفظ کند و سرانجام با دادن پاره‌ای امتیازات، برای اسلامی را به پای میز مذاکره بکشانند. سازمان، مجموعاً به صدور قطعنامه ۵۹۸

دراز این قطعنامه، آمریکا بیش از هر کشور دیگر حرکات سیاسی و نظامی خود را در منطقه

تعمیر کرد دیدیم که با زدن ناو «استارک»، رژیم بعثت را در معرض عکس‌العمل آمریکا، به بهانه ناآرامی منطقه باداش هم از آمریکا دریافت می‌کند. یگانهای همچنین از بهانه ناآرامی منطقه اینطور عمل کردند که جنگ باید فوراً به پایان برسد.

بررسی کردند ضربه‌ای را که صدام به آنها زده، دروغ ما حل و فصل کنند و به حساب جنگ می‌بگذارند و راه حل آنرا پایان دادن به جنگ،

● **سئوال:** آیا ایران جنبه‌های مثبتی را در قطعنامه ۵۹۸ دارد؟

**جواب:** آماده بودن ایران برای مذاکره را موضع مثبتی باید تلقی کرد. ایران همیشه مذاکره کرده.